



توانمندسازی محلات غیررسمی با رویکرد ارتقای امنیت در آن

مورد مطالعه: محله احمدآباد تبریز

امامعلی عاشری^۱، منصور صدرالساداتی^۲

۱-دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

چکیده

با تمرکز فقر در شهرها در طول چند قرن اخیر و به موازات صنعتی شدن جهان، جنبه‌های کالبدی فقر در قالب محله‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی عینیت یافت که خود با مشکلات بسیار زیادی مواجه می‌باشند که یکی از این مشکلات مساله امنیت در این مناطق می‌باشد. برای حل این مسأله، رویکرد توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. این رویکرد، اجتماعات غیررسمی را نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی نگریسته تا توانمندسازی را جایگزین فرهنگ فقر بنماید.

هدف اساسی این پژوهش بررسی و سنجش امنیت در محلات غیررسمی و توانمندسازی آن در محدوده محله غیررسمی احمدآباد در شهر تبریز می‌باشد که به عنوان یکی از محلات ناکارآمد این شهر محسوب می‌گردد. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی با ابزار پرسشنامه انجام گردیده است که تعداد آن به روش تصادفی ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش تحلیل رگرسیون خطی ساده و تحلیل SWOT انجام گردیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توانمندسازی و مشارکت مردمی تاثیر مستقیم و معناداری بر ارتقای امنیت و بهبود وضعیت محله دارد.

واژگان کلیدی: محله، حاشیه نشینی، امنیت، توانمندسازی، احمدآباد

مقدمه

شهرهای ایران و به ویژه کلان شهرها مملو از ناامنی است، که حاصل دسترسی پذیری متفاوت به منابع و امکانات شهری و رفاهی است. در مناطق حاشیه‌نشینی شهری به دلیل حاکمیت شرایط فرهنگی برزخ گونه بین فرهنگ روستایی- شهری و نبود وسایل و شرایط پایه‌ای جهت رسیدن به اهداف و طرد شدن ساکنین آنها از بسیاری از حوزه‌های شهروندی، بحران ناامنی اجتماعی بیشتر محسوس است. مناطق حاشیه‌نشینی شهری از جمله مستعدترین مکان‌های شهری برای بروز ناامنی اجتماعی است. آنچه در این بین اهمیت دارد، این است که همواره نوعی پیش‌داوری و نگاه پوزیتیویستی در مواجهه با مسئله ناامنی اجتماعی در این مناطق بر مسئولین شهری و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی غالب بوده است.

حل مسئله ناامنی در سکونتگاه‌های غیر رسمی نیازمند تحلیل و شناسایی دقیق عوامل ناامن‌کننده در این مناطق و سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی برای رفع آنهاست. در کنار سیاست‌هایی همچون تخریب و جابجایی، از ابتدای دهه ۸۰ رویکرد توانمندسازی در قبال این سکونتگاه‌ها اتخاذ شد. که می‌توان آن را نقطه عطفی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های شهری و رفاهی در این مناطق دانست. با توجه به توضیحات فوق اهمیت اقدامات توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر جلب توجه می‌کند. متمرکز شدن بر روی مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی کالبدی در این سکونتگاه‌ها پیامدهای اثربخش بر روی امنیت در این مناطق و حتی کل شهرداری. چنین اقداماتی نوعی پیشگیری از مسئله و کاهش هزینه‌های اقدامات پلیسی جهت برقراری امنیت اجتماعی می‌باشد. چشم‌انداز آتی امنیت، چشم‌انداز مبتنی بر علت‌یابی خواهد بود. که سعی بر آن است تا با مدیریت امنیت در سکونتگاه‌های غیررسمی از پیامدهای منفی آن جلوگیری نمائیم.

بیان مساله

طی سال‌های اخیر مفهوم امنیت شهری در پیوند با توسعه پایدار شهری مورد توجه پژوهشگران و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. از جمله، گزارش جهانی سکونتگاه‌های بشر در سال ۲۰۰۷ م. کلا به موضوع امنیت شهری اختصاص یافته و آن را در سه حوزه ذیل طبقه‌بندی کرده است: امنیت سکونت، امنیت در پیوند با سوانح طبیعی و ساخته به دست انسان) و امنیت در مقابل جرم و بزه کاری (UN Habitat, 2007:4)

حوزه - اخیر در ایران اغلب امنیت اجتماعی خوانده می‌شود. فقدان این نوع از امنیت در شهرها از عوامل فرهنگی، فقر و بی‌عدالتی، آهنگ شتابان شهرنشینی و بزرگی شهرها، نارسایی طرح‌ها و مدیریت شهری، بافت جمعیتی جوان و بیکاری جوانان، طرد اجتماعی، و در بعضی موارد باز شدن فضای جامعه نشأت می‌گیرد. فقدان امنیت اجتماعی صرف نظر از اثرگذاری در سطح کلان کشوری مانند فرار سرمایه و نیروی کار موجب کاهش سرمایه‌گذاری در محل، خروج ساکنان متمول‌تر و تحصیل‌کرده‌تر، کاهش نسبی قیمت مسکن و زمین، تحدید دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی و شهری، و آزار کودکان و دیگر ساکنان آسیب‌پذیر می‌شود (UN Habitat, 2008:7)

فقدان امنیت در شهرهای ایران در بسیاری موارد در پیوند با محلات فرودست (حاشیه‌ای و غیررسمی و نیز بافت فرسوده و از منظر کنترل جرم و بزهکاری مورد توجه دست اندرکاران و محققان وابسته به نهادهای انتظامی و قضایی، جرایم و بعضاً مسئولان مدیریت شهری قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۸۸: ۵. در گذشته، رویکردهای امنیتی

صرف نسبت به محلات غیررسمی (بیشتر امنیت بقیه شهر و نه الزاما امنیت ساکنان محلات فرودست موجب کم‌اعتنایی مدیریت شهری و دستگاه‌ها انتظامی به اینگونه سکونتگاه‌ها و در برخی موارد تخریب آنها شده است. متأسفانه، تخریب محلات غیررسمی و فاقد امنیت موجب تحمیل هزینه‌های جبران ناپذیری به ساکنان می‌شود و احتمالاً تأثیری منفی بر امنیت شهر (به ویژه جهت ساکنان محلات غیررسمی بر جای می‌گذارد؛ البته، در بیشتر موارد، پس از شکلگیری سکونتگاه غیررسمی (در بسیاری جای‌ها خارج از محدوده قانونی شهری، به رغم ممانعت‌ها) و افزایش مطالبات اهالی، راهی به جز عرضه برخی خدمات شهری و زیرساخت‌ها (در عمل اکثراً به صورت ناقص) توسط بخش عمومی جهت ساکنان وجود نداشته است (ربانی خوراسگانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۵). خوشبختانه، طی دهه گذشته، به تدریج رویکردهای بین‌المللی توانمندسازی و بهسازی مشارکتی (به جای رویکرد امنیتی صرف، بی‌اعتنایی با عرضه ناقص خدمات) جهت سکونتگاه‌های غیر رسمی مورد توجه دولت ایران قرار گرفته است. عناصر اصلی این رویکرد مشتمل بر پذیرش سکونتگاه‌ها و خدمات رسانی به آنها، بهبود تدریجی مسکن موجود از طریق ارتقای امنیت سکونت و بهره‌گیری از منابع خانوار، ظرفیت‌سازی در مدیریت شهری و تأکید بر فعالیت‌های نرم افزاری و توانمندسازی جماعت‌ها هستند (پورموسوی و معصومی، ۱۳۹۰: ۴)

در پیوند با رویکرد فوق و در کنار تصویب «سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی» در کشور (دبیرخانه س تاد ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، ۱۳۸۲)، مجموعه‌ای از فعالیت‌های بهسازی و توانمندسازی (و نیز اصلاح سیاست‌های مسکن در سطح کلان) تحت عنوان «طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن» با مساعدت بانک جهانی در سکونتگاه‌های غیررسمی مراکز پنج استان (بندرعباس، کرمانشاه، زاهدان، سنندج و تبریز) طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸ انجام شده است. قرار بوده است فعالیت‌های بهسازی موجب ارتقای وضعیت محلات و ایجاد حس مالکیت در اهالی شود و نهایتاً بستر توانمندسازی جماعت‌های ساکن را فراهم آورد.

اسکان غیررسمی یکی از نمودهای بارز فقر شهری است که در درون یا مجاورت شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون حاشیه نشینی، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو شناخته می‌شود (دانشجو، اسلامی، ۱۳۹۲: ۵). سکونتگاه‌های غیررسمی یا همان محلات غیررسمی و فقیرنشین شهرها با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو می‌باشند. این نوع سکونتگاه‌ها با ابعاد مختلف خود، نمایشی فضایی - کالبدی از اجتماع‌پذیری غیراجتماعی افراد و گروه‌هاست (صادق‌پور، ۱۳۹۶: ۲). ساکنین این سکونتگاه‌ها نیز به علت ضعف‌های زیرساختی و خدمات شهری با سطح نازلی از کیفیت، زندگی خود را گذران می‌کنند و از لحاظ فرهنگی؛ انزوای طلب، احساس غریبگی و بیگانگی، از لحاظ روانی؛ پریشان و تقدیرگرایی، بی‌ثباتی شغلی، به لحاظ بهداشتی؛ فقدان نارسائی سیستم خدمات بهداشتی و درمانی و ... می‌باشند (Gabriel, 2011: 5). توانمندسازی رویکردی برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است. در این شرایط، زندگی اقشار کم درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت‌بندی نیازها، توسط خود این افراد و مشارکت آنها برای مواجهه با مسائل فقر است (Kiddle, 2011: 5).

در ایران سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یک واقعیت و بخش انکارناپذیری از شهرهای کشورمان پذیرفته شده‌اند. از این رو، تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف جنبه‌های منفی این سکونتگاه‌ها با تأکید بر امکانات بالقوه و بالفعل موجود در فضاها بایستی مورد توجه قرار گیرد. به همین علت، در این مقاله سعی بر آن شده است تا با مطالعه کتابخانه‌ای، جمع‌آوری اسناد و مدارک از ادارات و سایت‌های اینترنتی نسبت به تهیه و انتخاب شاخص‌های امنیت اقدام و با استفاده از نظریات و تعاریف، به تعریفی از سکونتگاه‌های غیررسمی و مفهوم امنیت در فضای شهری دست پیدا کرد تا بتوان به صورتی هدفمند با مسئله امنیت در این محلات برخورد نمود. از جنبه نظری می‌توان تعریف ذیل را برای امنیت شهری بیان کرد: امنیت شهری یعنی آرامش، اطمینان خاطر و نبود هراس شهروندان از هرگونه تهدید و خطر علیه شهر، شهروندان، فضاهای شهری، ساختمان‌ها، سازمان‌ها، تاسیسات و زیرساخت‌های شهری و سایر عناصر مهم در زندگی شهری که نگرانی و احساس ناامنی در شهروندان را موجب گردد (Kajalo, S., & Lindblom, 2010: 4).

انتخاب شهر تبریز به عنوان قطب رشد و ادامه فعالیت‌های عمرانی در این شهر، عدم توزیع عادلانه منابع بین این شهر و شهرهای استان، تمرکز امکانات خدماتی و رفاهی و اصلاحات ارضی دهه ۴۰، زمینه مساعدی برای رشد و توسعه این شهر فراهم آورد که باعث حرکت جمعیت از نقاط دور دست به این شهر شد و اوج این حرکت‌ها در دهه ۶۰-۱۳۵۵ بوده است. تقاضای زیاد برای زمین و مسکن، قیمت آنها را بالا برد و نهادهای شهری این امر را تشدید نموده و زمین را از دسترسی طبقات فقیر خارج کرده و آنها را به حاشیه شهر راند. به هر حال و به هر دلیل ما امروز با پدیده‌ای به نام اسکان غیررسمی مواجه هستیم و دغدغه تمام محققان در مسیر پژوهش‌ها و تحقیقاتشان در این زمینه بر سر این است که راهکارهای منطقی و علمی برای برون رفت از این پدیده و مشکلات مرتبط با آن چیست و چگونه است؟

در سال ۱۳۹۴، ۲۴.۴ درصد (۳۸۴۱۰۷ نفر) از جمعیت ۱۵۷۷۳۶۶ نفری شهر تبریز را حاشیه نشینان تشکیل داده که در دوازده محله این شهر و عمدتاً در دو پهنه شمال و جنوب شهر توزیع یافته‌اند. کوچک بودن و فشردگی واحدهای مسکونی و استقرار آنها بر روی اراضی و دامنه‌های پرشیب کوه عون بن علی و دامنه تپه بانوق دره سی، پایین بودن درآمد خانوارها، اشتغال در بخش غیررسمی، پایین بودن سطح سواد و امکانات و خدمات شهری از مهمترین مسائل و مشکلات حاشیه نشین شهر تبریز به مانند سایر محلات حاشیه نشین کلانشهرهای کشور بوده که نیازمند طراحی استراتژی مناسب برای کاهش مسائل و مشکلات محلات توأم با تدوین برنامه‌های اقدامی هست.

محدوده احمدآباد شهر تبریز به عنوان یکی از محلات غیررسمی این شهر در محدوده شمالی شهر شکل گرفته و دارای دو جهت شمالی جنوبی و شرقی غربی می‌باشد. شیب بلند معابر، قرارگیری ساختمان‌های بلندمرتبه، فرسودگی بافت فرسوده شهری، کیفیت پایین مصالح، سرانه پایین فضاهای آموزشی، بهداشتی، درمانی و فضای سبز، تراکم بالای جمعیت، مقیاس کوچک واحدهای مسکونی و ... منجر به بروز مشکلات در این محدوده گردیده است که شاید بتوان کاهش سطح امنیت را به عنوان یکی از این مشکلات برشمرد که ضرورت برنامه ریزی برای آن را بیش از پیش آشکار می‌نماید و لازم است تا با انجام مطالعات دقیق طرح و برنامه دقیق برای آن ارائه نمود.

این پژوهش تلاش دارد تا با انجام مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی ویژگی‌های محلات غیررسمی و امنیت در آن بپردازد و در ادامه وضع محله احمدآباد در شهر تبریز را بررسی و تحلیل نماید و به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. شاخص‌های اصلی شناسایی محلات غیررسمی و تبیین امنیت در آن کدامند؟
۲. رابطه میان توانمندسازی و ارتقای امنیت در محلات غیررسمی چگونه است؟
۳. وضعیت محله احمدآباد با تاکید بر امنیت و شاخص‌های آن چگونه است و راهکارهای توانمندسازی در راستای ارتقای امنیت شهروندان کدامند؟

پیشینه

کاسینو و همکاران (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی-جمعیتی و مداخله روش‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی، اسکان غیررسمی به ویژه در بسیاری از شهرستان‌های کشورهای در حال توسعه را نتیجه شکست سیاست‌های عمومی برای بخش قابل توجهی از جمعیت فقرای شهری، قوانین ساخت و ساز و دخالت بخش خصوصی در مفاد مسکن می‌دانند.

لوک کایدل رابطه بین امنیت تصرف درک شده توسط ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی و کیفیت مسکن را مورد توجه قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌هایی مثل اخراج و تخلیه اجباری که امنیت تصرف ساکنان را به خطر می‌اندازد نتیجه عکس در جلوگیری از رشد سکونتگاه‌های غیر رسمی در فیجی داشته است. وی در پژوهش خود به رابطه معناداری بین کیفیت مسکن و امنیت تصرف پی می‌برد.

شاطریان و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر معیارهای اجتماعی و کالبدی بر توانمندکردن محلات شهری (مطالعه موردی: محله بازار شهر کاشان) به این نتیجه دست یافتند که عوامل اجتماعی - کالبدی در توانمندکردن محله بازار کاشان نقش بسزایی دارند. بعد کالبدی با سطح معناداری ۰/۷۸، نقش بسزایی در توانمندکردن محله بازار نسبت به بعد اجتماعی با مقدار سطح معناداری ۰/۴۳ دارد؛ بنابراین رشد امنیت، خدمات، کیفیت زندگی، مشارکت و دسترسی در این محله در گرو سامان‌دهی کالبدی آن‌ها است که در جریان آن راهبرد توانمندکردن اجراشدنی است.

ملکیان و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان بررسی تأثیر سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر احساس امنیت اجتماعی «مطالعه موردی: یحیی آباد آران و بیدگل» به بررسی آسیب‌شناسی کالبدی و ناامنی آن در فضاهای شهری پرداخته‌اند. نتایج نشان داد گرایش به انحرافات اجتماعی (مصرف سیگار، مصرف مواد مخدر و...) در محلات حاشیه‌نشین بیشتر از سایر محلات می‌باشد که همه این عوامل در کنار هم باعث بروز ناامنی در فضای شهری آران و بیدگل شده است.

مبانی نظری

حاشیه به نوعی شیوه زندگی اطلاق می‌شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی، عشایری متفاوت بوده و با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد. حاشیه

نشین به کسی گفته می شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی شهر شده و از خدمات شهری استفاده نماید. حاشیه نشینی شهری خانوارها و افرادی را شامل می شود که در محدوده اقتصادی و اجتماعی شهر ساکن شده اند، ولی جذب اقتصاد و اجتماعی شهری نشده اند و در حاشیه فعالیت های زندگی مردم شهرنشین قرار دارند (موسی پور سوران، ۱۳۹۳: ۷).

دیدگاه های مختلفی در زمینه شکلگیری محلات و سکونتگاه های غیررسمی ارائه گردیده است: اکولوژیست های انسانی جامعه شناسان مکتب سازمان و قدرت گرایان وبری و نظریه های تلفیقی برخی از پژوهشگران به مسأله حاشیه نشینی از دیدگاه بوم شناسی شهری نگریسته اند و تلاش کرده اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر به توجه مکانیزم پیدایش حاشیه نشینی بپردازند این دیدگاه بر پایه مکتب شیکاگو شهر را محل تنازع بقا و جای گیری مناسب تر در بهترین فضای شهری تحلیل می کنند.

در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راه کارها و راه حل های بهینه سازی شرایط زندگی و سکونت در مناطق حاشیه نشین هستند پیروان این دیدگاه ها علی رغم توجه به برخی از ابعاد پدیده حاشیه نشینی تحلیلی ریشه ای از مسأله به دست نمی دهند و بیشتر به برخی از جنبه های اجتماعی کالبدی و اقتصادی حاشیه نشینی تأکید دارند (سرور و دیگران، ۱۳۹۳: ۸). دیدگاه جامعه گرایان جدید پدیده حاشیه نشینی را نتیجه نابرابری های اقتصادی - اجتماعی و شهر نشینی نا همگون و انتقال فقر از روستاها به شهر می دانند اینان معتقدند که شهرنشین با آهنگی شتابان در حال گسترش می باشد این در صورتی است که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت های تازه وارد گروه های مهاجر فراهم نیست و امکانات و تسهیلات زیر بنایی و اجتماعی شهری نیز با افزایش جمعیت شهری متناسب نمی باشد در این حالت و به دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیر بنایی اجتماعی و کالبدی سکونتگاه ها و محله های حاشیه نشین شکل می گیرند. در دیدگاه موافقان حاشیه نشینی وسیله توسعه شهر است اینان می گویند همان طور که مناطق حاشیه نشین برای حفظ تعالی خود به شهرها نیاز دارند شهرها نیز برای رشد و توسعه خود به این مناطق محتاجند. در دیدگاه خنثی و منفعل مسئولان و مدیران شهری پدیده را نادیده می انگارند. این رهیافت که با نگرش لیبرالی و تشابه سازی تاریخی با مراحل توسعه ای جوامع توسعه یافته، حاشیه نشینی را پدیده ای گذرا و میرنده تلقی می کند از این رو خواهان رها سازی آن به ساز و کارهای بازار است و انتظار دارد که با گذر زمان و دست یافتن به توسعه، دیگر حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی وجود نداشته باشد. خطای این نگرش در تشابه سازی تاریخی برای کشورهای جنوب با توجه به استمرار و گسترش این پدیده مشهود است. دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز که به دیدگاه بولدوزر معروف می باشد. روشی کاملاً فیزیکی است. سعی در ریشه کن کردن اجتماعات حاشیه نشین دارد. این رهیافت در واقع صورت مساله را پاک کرده و به جابجایی جغرافیایی مسائل باقی مانده توجه ندارد. دیدگاه بنیادگرا با نگرشی رادیکال در پی چاره های اساسی یا تغییر در ساختارهای جامعه است. تصور بر این است تا نظام کلان اصلاح نشود، نظام های خرد قابل اصلاح نیستند و در واقع درگیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در سکونتگاه های غیر رسمی نشده و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش های سیاسی تکیه می کند و از این رو باز هم مانند رهیافت اول، آن ها را به حال خود رها کرده تا زمانی که ساز و کارهای فقرزا و ناعادلانه جامعه نابود شوند (صرافی، ۱۳۸۰: ۲۷۰).

راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع برای ایجاد و بهبود مسکن جوامع فقیر تاکید دارد و به این گروه این فرصت را می دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهای خود بهبود بخشند. در این راهبرد، دولت متعهد می گردد که تسهیلات مالی لازم را برای آنها فراهم کند. این رهیافت که راهی برای حل مشکل فقر شهری است، به تزریق منابع مالی صرف نمی پردازد بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان را مدنظر دارد (زنگنه و حسین آبادی، ۱۳۹۳: ۴). بنابر این، توانمندسازی را می توان بهبود قوای حیاتی یک جامعه زیستی برای پویایی و تداوم حیات آن جامعه تعریف کرد که از حیث سابقه ابتدا متوجه بهبود ظرفیت های اقتصادی و سپس اجتماعی ساکنان برای مشارکت در پروژه های ساماندهی است (زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۲). هرچند در رویکرد توانمندسازی دولت ها، با تکیه بر توان های بالقوه ساکنان سکونتگاه های غیررسمی به جای کمک های مستقیم و بلاعوض، از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارت های لازم و امکان دسترسی به ابزار کار و اشتغال، زمینه های بهبود سطح واحدهای مسکونی را به کمک خودشان فراهم می آورند؛ اما در روش بهبود تدریجی کیفیت سکونت مشارکت جمعی مردم با دولت، اصل اساسی است.

توانمندسازی شیوه ای برای ارتقاء شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به کارگیری ظرفیت موجود است. در حقیقت توانمندسازی برنامه حل مساله ای از درون بر پایه توسعه اجتماعات محلی است، به نحوی که الگوهایی از توسعه درون زای محلی شکل گرفته که می تواند به سایر اجتماعات تعمیم داده شود. در این الگو ظرفیت های محلی برای پاسخگویی به نیازهای اجتماع شکوفا می شود که در آن مشارکت به مثابه نکته کلیدی در جهت بهره گیری از توان جمعی نگریسته می شود. یکی از مسائل مهم و اساسی در برنامه ریزی توسعه اجتماع محلی درک نیاز و توانمندی هایی است که در سطح محل ضرورت اقدام را توجیه می کند یا به عبارتی ظرفیت جامعه محلی است که زمان و مکان اجرای راهبرد توسعه اقتصاد محلی را تعیین می کند. ظرفیت اجتماع محلی عبارت است از قابلیت و توانمندی اجتماع محلی برای شناخت، گسترش توانمندی انسانی، فرصت های اقتصادی، مناسبات اجتماعی و منابع اکولوژیک در راستای بهبود پایداری اجتماع (Macall, 2000:101).

امنیت در لغت به معنای نداشتن دلهره و ترس است. بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراسی، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین و ضامن است (ماندل ۱، ۱۳۷۹، ۴۴). به این ترتیب، امنیت شامل دو وجه است؛ در وجهی تحقق امنیت در گرو «نبود خطر» است و در وجه دیگر «کسب فرصت ها و تضمین منافع و ارزش ها» (دانشجو و اسلامی، ۱۳۹۲: ۷).

به طور کلی امنیت را می توان از نقطه نظر اجتماعی و فرهنگی، وضعیتی آرام تلقی کرد که انسان در نهایت ایمنی نسبت به جان، مالی، ناموس، حیثیت، هویت، ارتباطات، تفکرات، ارزش ها و... خود چه در زمان حال و چه در آینده اطمینان داشته و شبانه روز را با تحمل حداقل ریسک ممکن سپری سازد. برخی صاحب نظران معتقدند امنیت از دو جنبه عینی و ذهنی تشکیل شده که جنبه عینی و بیرونی آن همان ایمنی و جنبه ذهنی و درونی آن احساس امنیت نام دارد. پیوند مفهوم شهر و امنیت از زمانی که جامعه شناسی هویت علمی و مستقلی یافت همواره در کنار یکدیگر

¹ Mandell

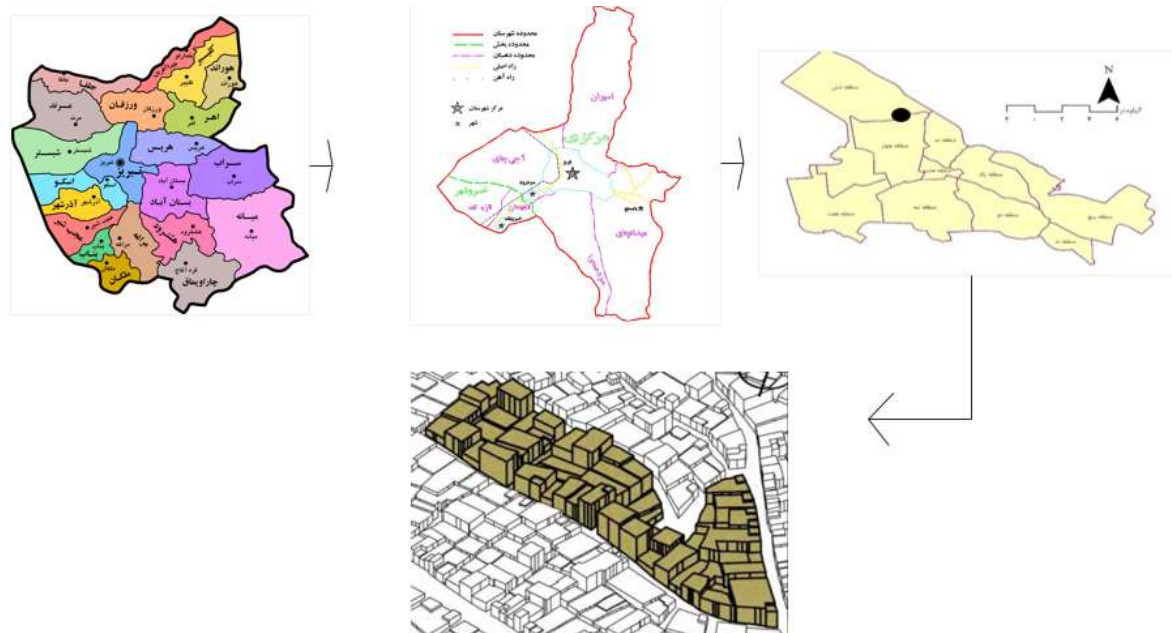
مورد بررسی قرار گرفته است. پارک " و برگس" در تبیین شیوع انحرافات و آسیب های اجتماعی شهر شیکاگو بر پدیده شهرنشینی متمرکز شده و بر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تأکید ورزیده اند. وجود چنین پتانسیل هایی در زندگی شهری موجب آن می شود که ساکنین شهرهای بزرگ در زمینه برخورد یا چگونگی مواجهه با جرائم پیشرو دچار نگرانی ها" و ترس هایی" باشند.

بررسی ها نشان می دهد که برخی از فضاهای شهری به دلیل ویژگی های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شان، میزان یا نرخ بزهکاری بیشتری دارند و به عکس، برخی از فضاها مانع و بازدارنده ارتکاب جرایم در درون خود هستند. از طرفی نیز به تحقیق ثابت شده است که مجرمان در ارتکاب جرم اغلب دست به انتخاب های منطقی می زنند و به دنبال ساده ترین، کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی و زمانی برای ارتکاب جرم هستند (علاء الدینی و توانگر، ۱۳۹۰: ۴)

احساس امنیت و احساس ترس از چالش های اساسی زندگی روزانه افراد است. آنچه چنین احساسی را در افراد به وجود می آورد، تهدیداتی است که از سوی محیط پیرامون و یا درون انسان، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بقا و سلامت او را تحت تاثیر قرار می دهند و به نوعی احساس عدم ایمنی و عدم امنیت را در وی به وجود می آورد (طهرانی، ۱۳۹۰: ۵).

احساس عدم امنیت به عنوان معضلی اجتماعی، زمینه ساز دامنه وسیعی از واکنش های عملی و عاطفی در افراد جامعه است (Pain, 2000, 366). ناامنی مکان ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می نماید و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه های زیادی را بر جامعه تحمیل می نمایند (Carmona, 2010, 148).

شناخت محدوده



نقشه ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

تبریز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است. این شهر بزرگ ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه است. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران که در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۵۵۸۶۹۳ نفر، چهارمین شهر پر جمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد و اصفهان محسوب می گردد. این شهر به دلیل جای دادن بسیاری از کارخانجات مادر و بزرگ صنعتی در خود و نیز وجود بیش از ۱۰۰ شرکت قطعه ساز در آن، دومین شهر صنعتی کشور پس از تهران به شمار می رود و به دلیل صنعتی بودن، یکی از مهم ترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می شود.

در شهر تبریز اگر چه آمار دقیقی از تعداد حاشیه نشینان موجود نیست ولی بر اساس مطالعات به عمل آمده در حال حاضر جمعیتی بین ۲۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ نفر در نواحی حاشیه نشین شمال و جنوب تبریز زندگی می کنند. به لحاظ داشتن بعد متوسط ۵.۶ نفر به ازاء هر خانوار، تقریباً آمار خانوارها ۴۰ تا ۵۰ هزار خانوار خواهد بود. این رقم بالغ بر ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت شهر تبریز است. بر اساس آخرین اعلام نظرها از سوی مسئولان شهری تبریز، جمعیت حاشیه نشین این شهر به مرز ۵۰۰۰۰۰ نفر رسیده است که در حدود یک سوم جمعیت شهر را شامل می شود و این میزان با لحاظ کردن بعد متوسط ۵.۸ نفر به ازاء هر خانوار، تعداد تقریبی ۷۰ تا ۷۵ هزار خانوار را نشان می دهد (اصغری زمانی، ۱۳۷۹، ۱۷۶).

اگر مناطق اسکان غیررسمی را به تعریف «چارلز آبرامز» کارشناس معروف مسکن، به مناطق محدود بکنیم که از نظر زیرساختها و تسهیلات شهری و کیفیت واحدهای مسکونی، از استانداردهای قابل قبولی برخوردار نبوده و در اراضی نامناسب شهری استقرار یافته اند، محلات دره ایچی، قربانی، سیلاب، داداش آباد، احمدآباد، حیدر آباد در شمال شهر تبریز و محله یانوق (انتهای خیابان مارالان تا طالقانی) در جنوب، جزء مناطق عمده اسکان غیررسمی شهر تلقی خواهند شد.

جدول ۱. ویژگی های کلی در محله احمدآباد

بعد خانوار	۳.۳۵	نفر در خانوار
خانوار در واحد مسکونی	۱.۷۵	خانوار در واحد مسکونی
متوسط مقیاس واحد مسکونی	۹۶.۹۷	متر مربع
تراکم جمعیت	۶۰۴.۵۴	نفر در هکتار
سرانه فضای مسکونی	۱۵.۳	متر مربع
سرانه فضای تجاری و صنعتی	۱.۲۵	متر مربع
سرانه فضای آموزشی	۰.۵۱	متر مربع
سرانه فضای مذهبی و فرهنگی	۰.۰۵	متر مربع
سرانه فضای بهداشتی	صفر	متر مربع
سرانه فضای سبز	۰	متر مربع

سایت احمد آباد بر روی دامنه کوه عون ابن علی، واقع در ارتفاعات شمالی تبریز قرار گرفته است. این سایت دارای شیب در دو جهت شمالی جنوبی و شرقی- غربی است که در صد شیب در راستای شمالی - جنوبی ما بین ۲۰ تا ۳۰ درصد و در جهت شرقی - غربی ما بین ۱۰ تا ۱۵ درصد است. تمایل به داشتن خانه‌های تک واحدی از جانب ساکنان و همچنین کاهش هزینه خرید زمین و در ادامه آن تبدیل قطعه‌های بزرگ به قطعات کوچکتر در اثر افزایش جمعیت ساکن در منطقه و گسترش افقی خانواده‌ها موجب ایجاد بافت ریزدانه در محدوده گشته است

معايير اصلی در بافت در جهت شیب تند شمالی- جنوبی احداث شده‌اند که در حقیقت از تبدیل مسیل به معبر در گذر زمان شکل گرفته‌اند. در نتیجه معابر فرعی عمود بر این معابر اصلی در جهت شرقی - غربی و با شیب کمتر شکل گرفته‌اند. تمامی محدوده سایت مورد مطالعه در دامنه آفتابگیر واقع شده و بافت نسبت به راستای شمالی دارای چرخش ۱۰ تا ۱۵ درجه، بمنظور بهره‌گیری بیشتر از نور خورشید است. این چرخش در جهت حفظ بافت از باد غالب که از سوی شرق و شمال شرق می‌وزد نیز مفید می‌باشد. با این حال خانه‌ها به نحوی در دامنه تپه قرار گرفته‌اند که گزند کمتری از باد غالب به آنها برسد.

اطلاعات موجود حاکی از آن دارد که تراکم جمعیت محل در اثر بالا بودن بعد خانوار و کوچک بودن اندازه مساکن بیشتر می‌باشد. بسیاری از خانوارها در اثر گسترش افقی (ازدواج پسر و تشکیل خانواده جدید در همان خانه)، در کنار یکدیگر زندگی نموده و بدین ترتیب تراکم جمعیتی سایت را افزایش می‌دهند. همچنین مقایسه سرانه سایت با سرانه حاکم بر شهر تبریز و حتی منطقه، وضعیت بحرانی سرانه بسیاری از فضاها همچون فضای سبز، فضای بهداشتی، فضاهای مذهبی و آموزشی و فضای تاسیساتی را گوشزد می‌نماید.

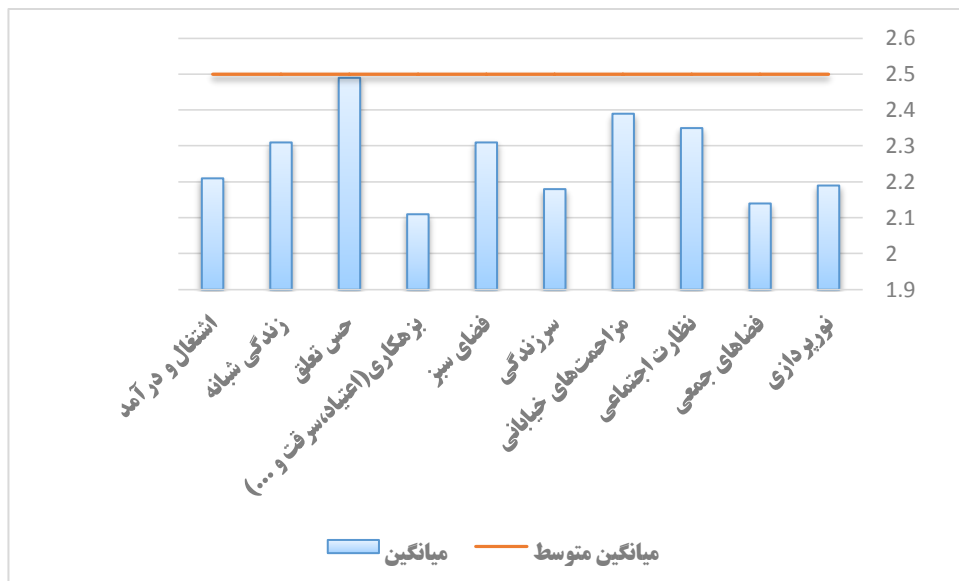
تحلیل یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گردیده است؛ یکی برای ساکنین و یکی برای کارشناسان و هر کدام به تعداد ۱۰۰ نفر. پرسشنامه ساکنین جهت سنجش وضعیت شاخص‌های امنیت در سطح محله و پرسشنامه کارشناسان جهت تحلیل تاثیر هر یک از شاخص‌های توانمندسازی در ارتقای امنیت محله می‌باشد.

جدو ۳. تحلیل رضایتمندی از شاخص‌های امنیت در سطح محله احمدآباد

شاخص	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
نورپردازی	۳۴	۲۹	۲۷	۴	۶	۲.۱۹
فضاهای جمعی	۳۵	۲۸	۲۹	۴	۴	۲.۱۴
نظارت اجتماعی	۲۶	۳۳	۲۷	۸	۶	۲.۳۵
مزاحمت‌های خیابانی	۲۷	۲۷	۲۶	۱۰	۱۰	۲.۳۹
سرزندگی	۳۰	۳۲	۲۶	۴	۶	۲.۱۸
فضای سبز	۲۹	۲۹	۳۰	۶	۶	۲.۳۱
بزهکاری (اعتیاد، سرقت و ...)	۳۲	۳۲	۳۱	۳	۲	۲.۱۱
حس تعلق	۲۷	۲۶	۲۵	۱۱	۱۱	۲.۴۹

زندگی شبانه	۳۲	۲۸	۲۴	۹	۷	۲.۳۱
اشتغال و درآمد	۳۴	۳۱	۲۲	۶	۷	۲.۲۱



نمودار ۱. رضایت از شاخص‌های امنیت در محله احمدآباد تبریز

با توجه به نمودار ۱ همانطور که مشخص می‌باشد میانگین بدست آمده برای تمامی شاخص‌ها در محله احمدآباد کمتر از حد متوسط می‌باشد که این مساله نشان دهنده عدم رضایتمندی از وضعیت امنیت و شاخص‌های آن در محله احمدآباد است.

جهت بررسی رابطه میان توانمندسازی و ارتقای امنیت در محله مورد مطالعه از ابزار پرسشنامه و روش تحلیل رگرسیون استفاده گردیده است که نتایج آن مطابق جدول زیر می‌باشد:

جدول ۴. تحلیل رگرسیون و تاثیر توانمندسازی بر ارتقای امنیت

ضرب همبستگی	ضرب تعیین	ضرب تعدیل شده	خطای معیار میانگین
۰.۳۹۵	۰.۲۹	۰.۸۵۶	۰.۷۸

در جدول بالا دو متغیر نسبت به سایر اعداد از اهمیت بالاتری برخوردار هستند: عدد اول مربوط به سطح معنی داری است ۰.۰۱۹ بدست آمده است و در تحلیل‌های مختلف معیار متوسط ۵ درصد می‌باشد. در صورتی که عدد بدست آمده کمتر از مقدار متوسط باشد رابطه معنادار و اگر بیشتر از آن باشد فاقد معناداری می‌باشد. با توجه به توضیح ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیر رابطه معناداری برقرار است.

عدد دوم مربوط به ضریب تعیین می‌باشد که ۰.۲۹ بدست آمده است و این به معناست که ۲۹ درصد تغییرات در متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل قابل پیش بینی است.

جدول ۵. تحلیل واریانس رگرسیون و تاثیر توانمندسازی بر ارتقای امنیت

مدل رگرسیون	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد	T	Sig
	B	Beta		
مقدار ثابت	۲.۲۲۳		۵.۶۷۶	۰.۰۰۰
ساخت و سازه‌های شهری	۰.۳۵	۰.۳۵۴	۲.۱۲۳	۰.۰۱۵

پس از آنکه با توجه به سطح معنی داری بدست آمده رابطه معنادار میان دو متغیر به اثبات رسید در جدول بالا یک متغیر مهم وجود دارد که ضریب Beta می باشد. با توجه به ضریب بدست آمده می توان نتیجه گرفت که به ازای هر ۱ واحد تغییر در متغیر مستقل حدود ۳۵ درصد در متغیر وابسته یعنی امنیت در محله احمدآباد تغییر ایجاد می گردد.

در نهایت پس از انجام تحلیل اطلاعات در این بخش بر آنیم تا با استفاده از روش تحلیل SWOT به تبیین عوامل داخلی و خارجی پیش روی محله احمدآباد و امنیت در آن و در نهایت ارائه راهکارهای ارتقای امنیت با تکیه بر نقش ساکنین بپردازیم:

- تراکم بالای جمعیت در اثر حضور چندین خانوار در یک واحد مسکونی و همچنین عدم توانایی خرید زمین از سوی ساکنین.
- مقیاس کوچک واحدهای ساختمانی و در نتیجه کمبود فضاهای زیستی مورد نیاز خانوار
- کمبود فضاهای آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، مذهبی، سبز و تفریحی در سایت.
- فقدان فضاهای خدمات شهری همچون بانکها و مراکز پست، مخابرات و غیره در بافت منطقه.
- وجود کارگاهها و صنایع آلاینده در بافت مسکونی و در نتیجه آن تهدید سلامت ساکنین و آلودگیهای زیست محیطی
- قدمت ۳۰ ساله بسیاری از واحدهای مسکونی و فرسودگی این واحدها.
- فرسوده سازی واحدهای مسکونی جدید در اثر ساخت یک شبه و کاهش خطر تخریب توسط شهرداری.
- عدم وجود نقشه معماری و عمرانی برای احداث بناها.
- عدم زیرسازی بناها در هنگام ساخت و استقرار بنا بر روی خاک.
- وجود صدمات شدید در اثر رطوبت و عوامل جوی در بسیاری از واحدهای مسکونی بویژه واحدهای مرمتی.

- عدم مقاومت تمامی بناها در مقابل زمین لرزه .
- استفاده از مصالح سنگین مانند خشت در برخی از واحدهای مسکونی.
- استفاده از مصالح دست دوم و بی کیفیت در اکثر واحدهای مسکونی حتی واحدهای نوساز .
- عدم مقاومت بنا در برابر تغییرات دمایی بدلیل عایق نبودن و استفاده از مصالح نامناسب و بی کیفیت.
- ساخت واحدهای مسکونی نوساز در زمین های بایر و استمرار پدیده اسکان غیررسمی در منطقه.
- اغتشاش در سیمای بافت بدلیل ناهماهنگی نمای واحدها و همچنین نصب نامناسب تاسیسات شهری در مقابل آن
- وجود آلودگی های زیست محیطی ناشی از آب های سطحی
- انباشت زباله در نقاط مختلف محله
- فقدان نورپردازی در نقاط مختلف محله
- وجود فضاهای بی دفاع در نقاط مختلف محله
- کمبود اشتغال و درآمد در محله
- عدم وجود فعالیت های ۲۴ ساعته در محله
- کمبود فضاهای تفریحی و ورزشی که موجب حضورپذیری بیشتر فضاها و افزایش نظارت اجتماعی می گردد.
- کمبود امکانات خدماتی و تجاری در محله





شکل ۱. مشکلات محله احمدآباد

راهکارهای ارتقای وضعیت محله و توانمندسازی آن با تاکید بر امنیت محله

- ایجاد مراکز خوداشتغالی در محله
- ایجاد تشکل‌های محلی با هدف افزایش مشارکت مردمی
- ایجاد تعاونی‌های تولیدی در زمینه مشاغل تخصصی
- ایجاد کارگاه‌های تولیدی مشاغل زنان
- برگزاری کلاس‌های آموزشی برای ساکنان محله در زمینه اشتغال و فعالیت
- طراحی گره‌ها و مراکز محله‌ای با هدف افزایش زیبایی و هویت بخشی به محله
- تعریض معابر تنگ و باریک و افزایش دسترسی به نقاط مختلف محله
- ایجاد عناصر شاخص و برجسته در سطح محله جهت افزایش تشخیص در محله که به نوعی موجب احساس امنیت نیز می‌گردد.
- نظارت بر انواع ساخت و سازها و جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز در محله
- شناسایی اراضی بایر و ایجاد کاربری‌های موردنیاز ساکنین
- احداث فضای سبز و پارک در نقاط مختلف محله
- افزایش سرانه امکانات و خدمات در سطح محله من جمله خدمات تجاری، فرهنگی و بهداشتی
- ایجاد فضاهای تفریحی و ورزشی برای اقشار مختلف سنی و جنسی
- بهسازی و نوسازی منازل و بناها با ارائه انواع وام‌های دولتی و ...
- تفکیک معابر سواره و پیاده بخصوص در معابر پرتردد
- طراحی مجاری فاضلاب و هدایت آبهای سطحی به این معابر
- طراحی و احداث پارکینگ مناسب برای توقف وسایل نقلیه ساکنان با توجه به کمبودها
- ایجاد فضاهای مناسب تخلیه زباله‌های شهری و جمع‌آوری مناسب زباله‌ها
- نصب چراغ بر روی تیرهای چراغ برق و ایجاد روشنایی در شب

فهرست منابع

۱. پورموسوی موسی، سلمان معصومی. ۱۳۹۰. ساماندهی و توانمندسازی محله های آسیب پذیر با تاکید بر نقش مدیریت شهری، شهرداری ها، سال یازدهم، شماره ۹۹، صص ۴۵-۵۶.
۲. دانشجو خسرو، غلامرضا اسلامی. ۱۳۹۲. اسکان غیررسمی و راهبرد توانمند سازی درونی (توسعه درون زا)، هویت شهر، شماره ۱۳، صص ۵-۱۳.
۳. ربانی خوراسگانی رسول، و دیگران. ۱۳۸۵. بررسی عوامل موثر بر شکل گیری مساله حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره پیاپی ۷ صص ۸۹-۱۱۴.
۴. زنگنه یعقوب، سعید حسین آبادی. ۱۳۹۳. تحلیلی بر امنیت ادراکی تصرف و نقش آن در توانمندسازی ساکنان سکونتگاههای غیررسمی (نمونه موردی قلعه نو دهرآز سبزوار)، برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، دوره ۴، شماره ۴، صص ۱۷۸-۱۵۷.
۵. علاءالدینی پویا، فاتح توانگر. ۱۳۹۰. ارتقای امنیت اجتماعی در سکونتگاههای غیررسمی از طریق بهسازی شهری و توانمندسازی تجربه محله دولت آباد کرمانشاه، هفت شهر، دوره ۳، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۱۰۴-۹۴.
۶. ملکیان اکرم، اسماعیل عبداللهی، مریم یارمحمد توسکی. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر سکونتگاههای غیررسمی بر احساس امنیت اجتماعی «مطالعه موردی: یحیی آباد آران و بیدگل»، پژوهشهای جامعه شناسی معاصر، دوره ۵، شماره ۹، صص ۷۵-۸۹.
۷. موسی پور سوران سمیه. ۱۳۹۳. الگوی مدیریت توسعه پایدار در محله های غیررسمی (مطالعه موردی ده ونک)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری به راهنمایی غلامرضا کاظمیان، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
8. Gabriel. 2011. Informal Settlers, Perceived Security of Tenure and Housing Consolidation: Case Studies from Urban Fiji Luke Kiddle, A thesis Submitted to the Victoria University of Wellington in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Geography.
9. Gibson, V., & Johnson, D. 2016. CPTED, but not as we know it: Investigating the conflict of frameworks and terminology in crime prevention through environmental design. Security Journal Vol.29, No.2, pp. 256-275.
10. Kajalo, S., & Lindblom, A. 2010. How retail entrepreneurs perceive the link between surveillance, feeling of security, and competitiveness of the retail store? A structural model approach. Journal of Retailing and Consumer Services, Vol17, No.4, pp. 300-305

